

سُورَةُ الْمَائِدَةِ ٥

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی کران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ ۚ أَحَلَّتْ لَكُمْ بِهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي
الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ



اهل ایمان! ای گروه مؤمنان! پاس دارید عهد و هر میثاقتان
بر شما احشام و حیوان شد حلال غیر از آنچه ذکرش آید بالمآل
صید بر مُحرم نمی باشد حلال هر چه خواهد حکم راند ذوالجلال

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ
الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا ۚ وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا ۚ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ
قَوْمٍ أَن صَدَّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا ۚ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ ۚ وَلَا تَعَاوَنُوا
عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ



ای گروه مؤمنان! نبود حلال
برنیارید سوی آن قربانیان
سوی زواری که می آرند مقام
هر جسارت بهر آنان هست حرام
واگذارید ایمن از رنج و ستم
خادمان این حریم محترم
چون شدید فارغ ز احرام هر زمان
می توانید صید سازید بعد از آن
گر بکردند یک گروهی منعنان
از ورود بر حرم و طوف آن

این نباید موجب آید آنچنان
 پس نمایید یاری با هم بس فزون
 همچنین هرگز نیارید یاوری
 پس بپرهیزید ز ایزد در حساب
 که ستمکاری کنید بر مردمان
 از ره تقوی^۱ و بخشش گونه‌گون
 بر گناه و هم ستم بر دیگری
 چون که شدت ورزد او اندر عقاب

حَرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةَ وَالْمَوْقُوذَةَ
 وَالْمُتَرَدِّيَةَ وَالنَّطِيحَةَ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النَّصَبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا
 بِالْأَزْلَامِ ۚ ذَلِكُمْ فِسْقٌ ۚ الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ ۚ الْيَوْمَ
 أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا ۚ فَمَنِ اضْطُرَّ فِي
 مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ ۚ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ



گوشتِ مرده بر شما گردید حرام
 آنچه در ذبحش نشد یادِ خدا
 و ر خفه گردیده یا افتاده است
 گر درنده نیمی از او خورده است
 جز مگر حیوان نمرده از قضا
 و هر آن حیوان که از بهر بُتان
 وانچه قسمت گشته بر چوبِ قمار
 گشته امروز کافران مأیوس و زار
 هرگز از ایشان مترسید، مؤمنان!
 ما بکردیم کامل امروز دینتان
 راضی هستم از شما در راه دین
 هر که افتد در بلا و اضطرار
 نیست گناهی بهر او از این سبب
 ذاتِ ایزد که غفور است و رحیم
 خون و گوشتِ خوک اندر حدِّ تام
 هست حرام گر چه سرش گردد جدا
 یا ز شاخ دیگری جان داده است
 نیمه‌ای دیگر ز او پس مانده است
 ذبح و پاکیزه نماییدش شما
 ذبح گردیده، حلال نیست بهرتان
 هست فسق و هم گناه اندر شمار
 از شکستِ دینتان در کارزار
 بل ز من باید بترسید در جهان
 همچنین اتمام نعمت بهرتان
 که به اسلام روی آرید با یقین
 می‌تواند این حرام بندد به کار
 گر نگهدارد حدودِ ذاتِ رب
 او ببخشد خلقِ خود، باشد کریم

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ ۖ قُلْ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ ۚ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ
 تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ ۖ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ

ای رسول! از تو بپرسند این سؤال
گو حلال است بر شما هر طیبات
گر شکار آید به تله از سگان
از خوراکی‌ها کدامین هست حلال؟
غیر آنچه گفته شد از هر جهات
این‌چنین صید هست مباح از
بهرتان

برده باشید گر که نام کردگار
جمله پرهیزکار شوید بر ذوالکتاب
هست حلال و طیب آنکه آن شکار
ذات باری هست سریع اندر حساب

أَلْيَوْمَ أَحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ^ط وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ^{هـ}
وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ
أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ^ف وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ
عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

بر شما امروز حلال شد طیبات
هم طعام جمله‌ی اهل کتاب
هست جایز بهر این اهل کتاب
هست حلال از بهرتان نیز مؤمنات
همچنین ز اهل کتاب این‌گون زنان
این‌چنین نسوان بگردندی حلال
این زناشویی مجاز باشد همی
هر که کافر گشته از ایمان حق
پس بماند همچنان در یوم دین
هر غذای نیکویی اندر حیات
بر شما باشد روا آن بی حساب
از غذای خود دهید و نان و آب
آن زنان پارسای محصنات
پاک هستند بر شما ای مومنان!
گر دهید مهریه‌هاشان بالمال
گر زنا نبود، نه پنهان هیچ دمی
بر تباهی راه او هست منطبق
از زیانکاران و هم از خاسرین

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا
بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ^ج وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا^ح وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ
سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا

فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ ۚ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ
لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ



ای گروه مؤمنان بر کارساز! روی خود شوید با آرنج و دست
ور جنب گشتید، نجس باشید شما
ور که هم‌بستر شدید با همسران
گر که بیمارید یا اندر سفر
پس تیمم آورید با خاک پاک
چون به پا خیزید از بهر نماز
مسح سر و پا به غوزک‌ها ز شست
واجب است آريد طهارت سر به پا
گر نیابید آب در اطرافتان
که ز آب آنجا نیابید هیچ اثر
مسح کنید دستان و صورت را ز
خاک

چون نخواهد رنج و سختی کردگار
لیک خواهد او شما طاهر شوید
کارتان آسان کند در روزگار
شکر نعمت‌های یزدان را کنید

وَادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ
اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ



پس به یاد آرید انعام از اله
چون بگفتید، این شنیدیم از تو ما
پس بترسید از خدا و ربّتان
همچنین آن عهد محکم و گواه
ما مطیعیم و تو بر حق رهنما
ذات ایزد آگه است از قلبتان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ ۚ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا
تَعْدِلُوا ۖ اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ



اهل ایمان! سخت باشید بهر حق
هم گواهی آورید بر عدل و راست
استوار و راسخ از عهد سبق
از همان میثاقتان که با خداست

گر که دارید کینه‌ای از دشمنان باز ندارد کینه‌ها از عدلتان
 که جدا گردید ز انصاف و ز داد حکم ناشایست کنید روی عناد
 پس عدالت آورید کاین اصل هست و به تقویٰ نیز هم نزدیک‌تر است
 هم بترسید از خداوند در امور آگه است آن ذات سبحان غفور

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ



وعده‌ای هست از خدا بر مؤمنان هر که کرده نیکویی اندر جهان
 مغفرت یابند ز رحمان الرحیم که بود آن حاصلِ اجری عظیم

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ



وان که کافر گشته اندر روزگار آیه‌های ما دروغ آرد شمار
 بالیقین باشد ز اصحاب جحیم بر عذابی دردناک و بس وخیم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ
 أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ



ای جمیع مؤمنان! آرید یاد زان همه نعمت که حق از لطف داد
 بر شما چون قومی یازیدند دست دستشان کرد کوتاه ایزد با شکست
 زین عنایت‌های ایزد بالمآل پس کنید پرهیز ز ذات ذوالجلال
 مؤمنان را نیز توکل بر خداست هر زمان و هر مکان بی‌کم و کاست

﴿٥﴾ وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَٰئِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا ۖ وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ ۖ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا

حَسَنًا لَّا كُفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۚ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

﴿۱۲﴾

حق گرفت پیمان ز اسرائیلیان	هم دوازده تن گزید از آن میان
ایزدِ منّان بفرمود این سخن	با شما هستم همیشه چون که من
پس نماز آرید به جا و هم زکات	بر رسلِ ایمانِ مطلق هر جهات
بر خداوند قرض دهید وجه حلال	قرضِ نیکو سوی مردم گه ز مال
پس بیامرزم گناهانِ شما	هم کنم داخل به جنّات صفا
اندر آنجا هست نهرهایی روان	زیر انبوهِ درختان، بی کران
هر که او کافر بگردد بعد از این	گم بگشته او همی از راه دین

فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ ۖ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ ۚ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ ۖ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

﴿۱۳﴾

چون شکستند آن گروه پیمانشان	ما نمودیم نیز غضب، هم لعنشان
سخت کردیم قلب ایشان را تمام	جمله تحریف می نمودند هر کلام
متن آیات را ز جا و موضعش	جابه جا کرده به عمد در موقعش
داده از دست آن نصیب ایزدی	چون که پیمودند راهی از کژی
گردی آگه تو ز این گونه خبر	که بگشتند خائن ایشان مستمر
جز مگر اندک قلیلی زان میان	که به حق ایمان بیاوردند ز جان
پس ز کوتاهی ایشان درگذر	از ره الطاف و احسان کن نظر
ذات ایزد دوست دارد محسنان	آن خداوند غفور و مهربان

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۚ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

همچنین جمعی بگفتند بس صریح ما نصاراییم و یاران مسیح
ما گرفتیم عهد و پیمانی ز جود از چنین قوم، همچو میثاقِ یهود
ترک کرد میثاق ما آن قوم نیز داده از دست آن نصیب روی ستیز
پس عِقابی دادیم ایشان را چنین که جدال با هم کنند تا یومِ دین
جمله را آگاه کنیم ما گونه‌گون از عقوبت بر چنین اعمالِ دون

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَ يَعْفُوا
عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ

ای شما اهل کتاب! ای مردمان! این رسول ماست کامد سویتان
می‌کند روشن شما را باب باب زانچه تحریف کرده‌اید اندر کتاب
از شفقت عفو کند اعمالتان نورِ اعظم را گشاید سویتان
یعنی آن نوری که هست اندر کتاب آشکار و روشن از آیاتِ ناب

يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ
وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

می‌گشاید حق به خلق راه صواب یعنی آن نورِ هدایت از کتاب
آن گروهی که ز حق جویند رضا بر سلامت می‌روند سوی خدا
لطف و اذنِ ذاتِ یکتای غفور میکند خارج ز ظلمت سوی نور
رهنمایی می‌کند ربِّ کریم سوی راه راست، صراطِ مستقیم

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ ۚ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ
أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَ أُمَّهُ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ۖ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۚ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

عده‌ای از کفر بگفتند ناروا
گو کدامین قدرت است اندر جهان؟
گر اراده آید از یزدان پاک
یا که هر کس هست بر روی زمین
مالک است او بر زمین و آسمان
آفریند هر چه خواهد ذوالجلال
که بود عیسی بن مریم آن خدا
که ز قهر حق نگهدارد امان
که مسیح با مادرش گردند هلاک
گشته نابود و بگردد همچو طین
و هر آن چیزی که باشد در میان
او توانا هست در حد کمال

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

گفته باز از کفر، ترسا و یهود
همچنین باشیم یزدان را حبیب
گو چگونه پس خدا روی حساب؟
پس نباشید هم شما جز یک بشر
هر که را خواهد ببخشاید احد
ملک ایزد هست سماوات و زمین
بازگشت جمله بر سوی خداست
ما پسرهای خداییم در شهود
لطف خاص ایزدی ما را نصیب
می‌فرستد بهرتان دائم عذاب
که همه خلقتد یکسان سربه‌سر
ور بخواهد نیز عذابش می‌دهد
و هر آنچه در میان است اجمعین
این‌چنین امری یقین لامنتهاست

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آمد ای اهل کتاب! پیغمبری
در زمانی که نبوده هیچ رسول
از سوی ما بر شما یک رهبری
بر شما گوید ز دین و از اصول

تا نیارید هیچ ابا و اعتذار که نبی بر ما نیاورد کردگار
 هم دهد مژده و یا هشدار و بیم بهر رفتن در صراطِ مستقیم
 پس بیامد آن بشیر و آن نذیر بر همه چیز قادر است ربّ قدیر

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَ جَعَلَكُمْ
 مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ

﴿۲۰﴾

ای رسول! آور از موسیٰ تو یاد داد پیامی سوی قومش از و داد
 که به یاد آرید مردم! جملگی این همه نعماتِ حق در زندگی
 حق نهاد پیغمبران در بینتان گشتید حاکم با جلال و جاهتان
 بهرتان انعام، حق داده چنان که به هیچ قومی نداده در جهان

يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا
 خَاسِرِينَ

﴿۲۱﴾

پس قدم آرید بر این سرزمین که مقدّس گشته از روی یقین
 بر شما گشته مقرر از اله پشت به حکم او نرانید هیچ‌گاه
 که شوید آنکه زیانکار اجمعین هم بگردید در جهان از خاسرین

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنُ نَّدْخُلَهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا
 مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ

﴿۲۲﴾

پاسخی گفتند که موسیٰ! این زمین جای جباران بود پُر خشم و کین
 ما در آن داخل نمی‌گردیم کنون تا مگر این جمع روند کلاً برون
 هر زمان رفتند، ما داخل شویم طبق فرمانِ تو آنجا می‌رویم

قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أُنْعِمِ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

﴿۲۳﴾

پس دو تن از مؤمنان گفتند سخن
که ز آن دروازه گر وارد شوید
لازم است آید توکل طیّ راه
سوی آنها داشت عنایت ممتحن
بر همه آن طاغیان غالب شوید
گر که هستید مؤمنین سوی اله
قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنَُدْخِلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ

﴿۲۴﴾

قوم گفتندی به موسیٰ^۱ بالمال
ما نگردیم داخل اندر آن دیار
پس تو با ربّ برو موسیٰ^۱ کنون
ما در اینجا ساکت و هم بیسؤال
که چنین کاری بود امری محال
تا که هستند آن گروه نابکار
در جدل بنما تو ایشان سرنگون
می‌نشینیم تا رسد سر این قتال

قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي^۲ فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

﴿۲۵﴾

سوی الله گفت موسیٰ^۱ دلپیش
همچنین بر آن برادر در طریق
پس میان ما و این قوم شرور
من ندارم هیچ تسلّط، جز به خویش
که بود یاور مرا نیز آن شفیق
تو جدایی ساز و بنما جمله دور

قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

﴿۲۶﴾

گفت ایزد، بهرشان کردم حرام
این زمین را تا چهل سال تمام

جمله سرگردان شوند روی زمین غم مخور بر این گروه فاسقین

﴿٢٧﴾ وَأَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ ۖ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

﴿٢٧﴾

گو تو این قصه رسولا! بر بشر
بهر قربانی به سوی کردگار
از یکی ذات خدا فرمود قبول
وان دگر مقبول نیفتاد در اصول
گفت آنکه از حسادت، کای اخی
خون تو ریزم بدون مهلتی
داد پاسخ که نکردم من خطا
این اراده بوده از ذات خدا
می شود مقبول حق از متقین
آنچه قربانی نمایند در زمین

لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسٍ يَدِي إِلَيْكَ لَأَقْتُلَنَّكَ ۚ إِنَّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

﴿٢٨﴾

گر به قتل من بیاری دست پیش
چون که من ترسم ز رب العالمین
من به قتل تو نیازم دست خویش
خائفم اندر حضور حق یقین

إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ۚ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ

﴿٢٩﴾

من بخواهم که بگردد بر تو بیش
تا بگرددی تو خود از اصحاب نار
جرم قتل من و هر جرمت ز پیش
هست جزای ظالمین از کردگار

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ

﴿٣٠﴾

بعد بحث و این چنین گفت و شنود نفسی او بر این قتال ترغیب نمود
گشت برادر را ز جهل و روی کین او زیانکار گشت و شد از خاسرین

فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْءَهُ أَخِيهِ ۖ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْءَهُ أَخِي ۖ فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ

﴿۳۱﴾

گشت مأمور یک کلاغی از خدا که کند گودالی اندر آن سرا
تا بفهماند بر او آیین کفن که چگونه آن برادر گشته دفن
گفت با خود، وای بر من! عاجزم در شعور از یک کلاغی کمترم
تا کنم پنهان برادر را جسد خاک بر جسمش بگردد همچو سد
پس برادر خاک کرد اندر زمین شد پشیمان و بگشت از نادمین

مَنْ أَجْلُ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا ۖ وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ

﴿۳۲﴾

ما بدادیم حکمی در دوران پیش بر بنی اسرائیل اندر کیش خویش
گر که گشتید یک کسی را از عناد که قصاص بر او نبوده، نه فساد
مثل آن باشد که اندر این زمین کلّ مردم را بکشتید اجمعین
ور حیات بخشید کسی را در امان هست حسابش چون نجاتِ مردمان
آمدند از سوی ما جمعی رسول معجزاتی کرده آشکار، با اصول
لیک جمعی مردمان اندر زمین بر فساد رفتند شدند از مسرفین

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ۚ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

کیفر آنان که با حق و رسول
 بر فساد آیند، به پا آرند حرب
 بر قتال آرید زین سان جرمشان
 یا بُرید از دست و پاشان بر خلاف
 در همین دنیا گروه حاربان
 باشد ایشان را عذابی بس گران
 همچنین اندر قیامت از جزا
 بر عذابی بس عظیم بینند سزا

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

غیر آنانی که قبل از این جدال
 پس بدانید ذاتِ حق باشد کریم
 توبه آرند بر خدای ذوالجلال
 سوی مخلوق او غفور است و رحیم
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

از خدا ترسید، هان ای مؤمنان!
 بر جهاد خیزید به راهِ کردگار
 آورید بر او توسّل در جهان
 تا شوید در هر دو عالم رستگار
 إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

گر که باشد از برای کافرین
 تا مگر یابند رهایی از عِقاب
 دو برابر زانچه هست اندر زمین
 در قیامت دور سازند آن عذاب
 هیچ پذیرفته نگردد زان علیم
 سهمِ آنها هست عذابی بس آلیم

يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ

﴿٣٧﴾

در تمنّایند که آیند زود برون از درونِ آتشِ رو به فزون
لیک هرگز این گروه مجرمین خارج از آنجا نگردند اجمعین
آن عذاب چون پایدار و سرمدیست شعله‌ی آتش بر آنها دائمیست
و السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ ^{تعالى} وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

﴿٣٨﴾

مرد دزد یا گر زنی او سارق است قطع دست او کنید که لایق است
این عقوبت هست ز ذات کردگار هست حکیم و مقتدر پروردگار
فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ ^{تعالى} إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

﴿٣٩﴾

پس هر آن که توبه کرده از ستم رو به اصلاح آورد خود از ندم
آن گناهانش ببخشاید کریم ذات الله که غفور است و رحیم
أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ ^{تعالى} وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

﴿٤٠﴾

این ندانی که خداوند از یقین؟ هست مالک بر سماوات و زمین
هر که را خواهد چشاند او عذاب هر که را خواهد ببخشد بی حساب
او قدیر است و توانا در جهان قدرتِ ذاتش به حدّی بی کران

﴿٥٠﴾ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزَنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ
وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ

يَحْرِقُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنَّ أُوتِيَتْكُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا
وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۚ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَطَهِّرْ
قُلُوبَهُمْ ۚ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

﴿۴۱﴾

ای رسول! هرگز مباش اندوهناک آن کسان که از زبان نی از قلوب آن یهودان که چو جاسوس در عمل بشنوند از تو پیام‌ها پرفروغ سوی جمعی که ز کبر و هم غرور بازخوانند حکم قرآن از جفا ور نگفت، از او نیارید هیچ قبول این‌چنین گویند که گر حکم رسول ور نباشد آن طباقِ میلمان آری، این اشخاص بیفتند در بلا ای رسول! نیستی تو قادر این‌چنین آری، هرگز ذاتِ پاکِ کردگار می‌نخواهد پاک، قلب این خسان هم در این دنیا ذلیل، هم آخرت	بهر کفار که شتابند بر هلاک بازگویند مؤمنند، لیک در ذنوب گوش آرند سوی تو روی دغل بسته پیرایه بر او روی دروغ پیش تو هرگز نیابند، مانده دور گر رسول‌الله بگوید همچو ما دوری جوید از سخن‌های رسول باشدی بر میل ما آرید قبول بایدی پرهیز نماییم جمله زان بر غضب از ذات یزدان مبتلا که رهایی بخشی ایشان را یقین هیچ نبخشد این خسان در روزگار ذات یکتای احد آن مستعان سهمشان باشد عذاب نی مغفرت
--	---

سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَالُونَ لِلْسُّحْتِ ۚ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ ۚ وَإِنْ
تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا ۚ وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ
الْمُقْسِطِينَ

﴿۴۲﴾

بشنوند و نقل قول آرند دروغ در تبه‌کاری و در مالِ حرام	از سخن‌هایی که باشد پرفروغ دستِ خود آلوده می‌سازند مدام
--	--

سویشان کن حکم از عدل و حساب
 گر بگردانی ز این جمع روی خویش
 تا توانی، تو ز ایشان رو بتاب
 هیچ نیابی تو ضرر یا حال ریش
 حکم اگر کردی همی، بر عدل باد
 بین ایشان روی قسط و روی داد
 دوست دارد ذاتِ باری بالیقین
 حکم‌کننده روی عدل و مقسطین

وَكَيفَ يُحْكَمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ
 بِالْمُؤْمِنِينَ

﴿۴۳﴾

پس چطور بر حکمِ تو آنکه رسول!
 چون که تورات بوده از قبل نزدشان
 این‌چنین قومِ دنی آرند قبول
 رهنمایی کرده سوی کیششان
 لیک بگرداندند روی خود ز حق
 با تو پس هرگز نگردند منطق
 چون که ایشان را به سوی کردگار
 نیست ایمان از یقین در روزگار

إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يُحْكَمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ
 وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِ وَلَا
 تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يُحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ

﴿۴۴﴾

شد ز ما تورات نازل در سطور
 تا رسولان، قاصدانِ کردگار
 که هدایت بوده در آن همچو نور
 رهنمای خلق گردند آشکار
 عالمانِ پاک و ربّانی ز حق
 حافظانِ آن کتاب و آن نسق
 هم گواهی داده‌اند بر صدقِ آن
 که همه آیات ز رب است بی‌گمان
 هیچ مترسید در جهان از مردمان
 بلکه ترسید از من و فرجامتان
 این‌چنین آیات ما را از خطا
 هیچ مفروشید قلیل اندر بها
 هر که داد حکمِ خلافی از اله
 او بود کافر از این فعلِ گناه

وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأَذْنَ بِالْأَذْنِ وَالسِّنَّ
 بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يُحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

ما نوشتیم اندر آن بس آشکار	که بود حکمی ز ذاتِ کردگار
که قصاص اندر قبال نفس و جان	باشدی هم جانِ قاتل جای آن
گر بود چشم، چشمِ ضارب در قبال	بینی هم بینی قصاصش در جدال
گوش را اندر قبالش هست گوش	یا که دندان جای دندان از خروش
هر که زخمی خورد او را آشکار	بر قصاص آرد به حکم کردگار
گر که کفّاره بگیرد جای آن	کاری نیکو هست ز مظلوم بی‌گمان
گر که عفو کرد از اساس روی کرم	در حساب آید بگردد محترم
گر تجاوز کرد کسی از حکم حق	ظالم است و بر عقوبت مستحق

وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ ۖ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

وز پی ایشان فرستادیم ما	عیسی مریم که گردد رهنما
که مصدّق بود بر تورات ز پیش	زانچه را می‌داشت در دستانِ خویش
هم عطا کردیم بر او انجیل ناب	که هدایت بود و نور در آن کتاب
بوده تصدیق همچنین آیاتِ پیش	او به توراتی که داشته دستِ خویش
پُر ز اندرز و ز هشدار همچنین	بهر پرهیزکار و جمعِ متّقین

وَ لِيَحْكُمَ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أُنْزِلَ اللَّهُ فِيهِ ۖ وَ مَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

اهل انجیل را چو حکم ایزدی لازمالاجراست به وقتِ داوری

هر کسی زان حکم زِ خلاقِ جهان بر خلاف گوید، شود از فاسقان

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ ۖ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ ۚ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ ۚ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ ۚ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ۚ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

﴿ ۴۸ ﴾

هست مصدقِ نزدت ای پاکا رسول!	وین کتاب که سوی تو گشته نزول
بر کتاب‌های قدیم از ذاتِ حق	می‌دهد اینک گواهی از سبق
حکمی هرگز بر هوای نفس مباد!	پس بکن حکم زانچه ایزد بر تو داد
حرف ایشان جای حکم حق مران	زانچه هست اهواءِ مردم در جهان
از شریعت جمله آیاتِ مبین	ما به هر قومی قرار دادیم متین
اُمّتی واحد همی ساخت برقرار	گر که می‌خواست ذاتِ پاکِ کردگار
تا که آرد امتحان هر امتش	لیک نفرمود این‌چنین از حکمتش
سوی خیرات و مبرات همچنان	گوی سبقت را ربّایید در جهان
در سرانجام و به رجعت بر خداست	چون که بازگشت همه بی‌کم و کاست

زانچه کردید اختلاف در روزگار می‌کند آگاهتان نیز کردگار

وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۚ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ ۚ وَإِنْ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ

﴿ ۴۹ ﴾

آنچه را بر تو فرستادست حق	حکم زِ آن کن نی زِ آراءِ فرق
هیچ مکن از میل ایشان پیروی	تا مبادا از فریب گمره شوی
آنچه را ایزد بفرموده عیان	می‌کنند درخواستِ تغییرات آن

گر که از حکم خدا رو تافتند زان ره کفر و خطا سخت باختند
اکثر از مردم ز عصیان این چنان می‌شوند در گمراهی از فاسقان
أَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةُ يَبْغُونَ ۚ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

﴿۵۰﴾

بعد از این‌سان آیه‌های آشکار باز تمنّایی بیارند در شمار؟
که چو عهد جاهلیّت جملگی حکم برانی بهرشان در زندگی
آن، چه حکمیست بهتر از حکم اهل ایمان را بگردد رهنما
خدا؟

﴿۵۱﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ ۚ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۚ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

﴿۵۱﴾

اهل ایمان! دوست نگیرید مغرضان چه یهودی یا نصاریٰ بوده آن
برخی از ایشان که با برخی دگر دوست بگردند، متفق و سربه‌سر
گر شما گردید با ایشان حبیب هم‌طرازشان بگردید در حسیب
ذات پاک ایزدی آن مهربان هیچ ننماید هدایت ظالمان

فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَىٰ أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ ۚ فَعَسَىٰ
اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِّنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرَوْا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ

﴿۵۲﴾

پس تو بینی یک گروهی از غرض در قلوب جملگیشان هست مرض
بازگویندی که می‌ترسیم ما پیش آید ناگواری بهر ما
لیک بسا فتحی رسد بر مؤمنین از اموراتی که نزد ماست یقین
سررسد نصرت ز حق بی‌واهمه تا شوند اهل نفاق، نادم همه

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَفْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ^٧ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ^٨ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ

﴿۵۳﴾

مؤمنان، با هم بگویند این چنان	که چه سان سوگند بخوردند غافلان
ذکر الله را که می کردند یاد	از ریا بوده، نه از صدق و وداد
هم بگفتند از شماییم بی گمان	مؤمنیم ما بر خداوند جهان
می شود باطل همه اعمالشان	در زیان محض بمانند خاسران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ^٩ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ^{١٠} وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

﴿۵۴﴾

ای جمیع مؤمنان! گر از جفا	گشت مرتد فردی از بین شما
آورد پروردگار قومی دگر	بامحبت، با صداقت مستمر
آن گروهند با خداوند جمله دوست	حق بود یارِ هر آن کس که نکوست
خاضعند و خاشعند با مؤمنان	لیک سخت گیرند بسی با کافران
هم به وقتش می کنند ایشان جهاد	در ره یزدان ز پاکی و وداد
از ملامت وز نکوهش در جهان	هیچ ندارند باکی هرگز مؤمنان
هر فزونی و کرامت از خداست	هر که را خواهد عطای او رواست
واسع است و مطلع پروردگار	آگه است بر هر امور در روزگار

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ

﴿۵۵﴾

پس شما را باشدی الله ولی بعد او هم این امور هست بر نبی

بعد او هم آن کسانی که یقین در نمازند سوی ربّ العالمین
هم زکات داده بر اهل نیاز در رکوع هنگامه‌ی وقت نماز

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ

﴿۵۶﴾

هر که او گیرد ولیّش را چنین از خدا و از رسول و مؤمنین
هست پیروز و بماند برقرار حزب یزدان غالب آید آشکار

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوءًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ

﴿۵۷﴾

ای گروه مؤمنان! اندر جهان هیچ نگیرید در نهان و در عیان
یار خود زان مردمان که کافرنده می‌کنند بر دینتان بس ریشخند
آن کسانی که ز ایام سبق خود کتاب داشتند از آیات حق
همچنین کفار و جمع مغرضین گر شما هستید به حق از مؤمنین

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا وَلَعِبًا ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ

﴿۵۸﴾

تا که می‌خوانید مردم را عیان بر نماز واجب و بانگ اذان
مسخره خوانند آوای سروش جاهلانی که ندارند عقل و هوش

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ

﴿۵۹﴾

گو که ای اهل کتاب! دائم شما عیب می‌گیرید مکرر، چون ز ما؟
 نیست الا آنکه ما داریم یقین بر خدا و هر چه نازل کرد زمین
 هم بر آنچه نازل آمد در سبق که بود آیاتتان از سوی حق
 لیک شما ایمان ندارید آن‌چنان اکثراً باشید شما از فاسقان

قُلْ هَلْ أَنْبِئُكُمْ بِشَرٍّ مِّنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ
 الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ



گو کنم آگه شما را ای بشر؟ که کدامین قوم، باشد پست و شر؟
 نزد ایزد گشته مغضوب از گناه سوی ایشان لعنتی هست از اله
 مورد خشمند و مسخ گردند عیان همچو بوزینه و یا خوک رویشان
 بنده‌ی طاغوت هستند اجمعین نزد ایزد جمله باشند بدترین
 همچنین گمراه‌ترینند این قبیل بر ضلالت می‌روند اندر سبیل

وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكَفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ



چون بیایند این گروه نزد شما ظاهراً گویند که مؤمن بوده ما
 لیک با کفر نهان وارد شوند همچنان با کفر نیز بیرون روند
 هست آگه‌تر یقیناً کردگار ز آنچه که پنهان بود یا آشکار

وَتَرَىٰ كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السَّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ



اکثراً بینی که این اهل عذاب در گناه و کفر می‌ورزند شتاب
 در ستمکاری و خوردن از حرام هم به گفتار، هم به رفتار و مرام
 پیشه‌ی خود کرده‌اند کارهای زشت بر خطا رفتند زین سان سرنوشت

لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السَّحْتَ ۚ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

﴿ ۶۳ ﴾

پس چرا جلو نگیرند با بیان؟ از میان این جماعت عالمان
از دروغ و کذب در گفت و کلام یا که خوردن بی حساب مال حرام
بد بود آنچه نمایند این میان می شتابند بر گنه چون جاهلان

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ ۚ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلَعِنُوا بِمَا قَالُوا ۚ بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ
كَيْفَ يَشَاءُ ۚ وَلِيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا ۚ وَالَّذِينَ بَيْنَهُمُ
الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۚ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ ۚ وَيَسْعَوْنَ فِي
الْأَرْضِ فَسَادًا ۚ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

﴿ ۶۴ ﴾

باز گفتند روی بخل قوم یهود دست یزدان قفل گردیده ز جود
بسته بادا! دستشان از این کلام که بگویند حرفِ باطل حدّ تام
لعنت ایزد بود بر سویشان دست او باشد گشاده در جهان
می کند انفاق، حق بی گفتگو هر که را کرده اراده، خواهد او
می کنند بسیار کفران، ای رسول! آنچه از ربّ به تو گشته نزول
پس درافکنندیشان تا رستخیز دشمنی خلق و هم جنگ و ستیز
هر گه آتش بهر حرب آرند فزون می کند خاموش خدا آنکه فسون
در زمین آرند تباهی و فساد که بود ناشی ز کفران و عناد
دوست ندارد ذات ایزد بالیقین این چنین اهل ستم وین مفسدین

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَرَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ

﴿ ۶۵ ﴾

گر که ایمان آورند اهل کتاب
پیشہ آرند راه تقویٰ و صواب
بر رسول و بر همه آیات ناب
ما کنیم مستور گناهان در حساب
هم ببخشیم آن خطای جاهلان
جای دهیم اندر بهشت و در جنان

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ
أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ

﴿۶۶﴾

گر به پا می‌داشتند احکام حق
زانچه نازل گشته از ربّ جهان
طبق تورات و هم انجیل از سبق
از نشان‌های فصیح و هم عیان
رزق و روزی می‌رسید از فوقشان
همچنین انعام بی‌حد تحتشان
برخی از ایشان بمانند مقتصد
راستگویند در امور و معتمد
اکثراً لیک ناپسندند و پلید
زان جماعت کار بد گردد مزید

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ۚ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ ۚ وَاللَّهُ
يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

﴿۶۷﴾

ای رسول! ابلاغ بفرما بس عیان
گر نمایی کوتهی یا که عدول
پس نکردی تو به امرت اهتمام
هم نکردی تو رسالت را تمام
حق تو را محفوظ دارد از شرور
از همه مردم و از کلّ امور
بر هدایت کافران در روزگار
راه ننماید ز حکمت کردگار

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ
رَبِّكُمْ ۚ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا ۚ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ
الْكَافِرِينَ

﴿۶۸﴾

باز بفرما تو که ای اهل کتاب! نیست شما را هیچ امری بر صواب
جز کنید تورات و انجیل را قبول وانچه از رب بر شما گشته نزول
لیک تا آیات حق آمد فرود سرکشی بر این جماعت را فزود
هیچ تأسّف تو مخور زانها رسول! چون گروه کافران کردند عدول

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَىٰ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ
صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

﴿۶۹﴾

آن کسانی که بیاوردند یقین بر صراط راست و آیات مُبین
گر ستاره او پرستد، گر یهود گر نصاریٰ باشد و اهل حدود
هر که ایمان آورد بر یوم دین راه راست را طی نماید او متین
نیست خوفی بهر ایشان از عذاب حزن و اندوهی نباشد بر عقاب

لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا قُلِّمًا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ
أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ

﴿۷۰﴾

عهد گرفتیم ما ز اسرائیلیان سوی توحید و نبوّت در جهان
بعد فرستادیم ما پیغمبران با همه حجّت و آیات و نشان
چون خلاف نفسِ ایشان گفت دشمنی ورزیده با آن ممتحن
سخن

کرده تکذیب یک گروهی را صریح جمعی دیگر را بکشتند بس قبیح

وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةً فَعَمُوا وَصَمُوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُوا كَثِيرٌ مِّنْهُمْ
وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

﴿۷۱﴾

بر گمان بودند نبینند امتحان فکر کردند محنتی نیست در میان
 کور و کر گشتند از آیاتِ حق زان همه حجت که دیدند ماسبق
 توبه چون کردند، خداوند درگذشت لیک مجدد کور و کر دل‌ها بگشت
 هست خداوند آگه از اعمالشان از همه گفتار و از رفتارشان

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ ۖ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ ۚ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ ۚ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

﴿۷۲﴾

پس به تحقیق آن گروه کافر بوند که همی از حدّ خود خارج شدند
 چون بگفتند عیسی مریم خداست اینچنین حرف، کفر مطلق و
 خطاست

بر بنی‌اسرائیل گفت آنگه مسیح در وضوح و با بیانی بس فصیح
 که پرستید ربّ من، آن ربّتان ذاتِ یکتای خدا، ربّ جهان
 هر که شرک ورزید بر ذاتِ اله هست حرام جنت ورا از این گناه
 دوزخی گردد از این ناباوری ظالمین هرگز نبینند یاوری

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثُ ثَلَاثَةٍ ۚ وَمَا يَقُولُونَ لِيَمْسَنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ

﴿۷۳﴾

کافر است هر کس بگفت از اشتباه که خداوند هست یکی از سه اله
 نیست هرگز و نبوده در وجود هیچ خداوندی به جز ربّ ودود
 گر نبندند از چنین کفران زبان بدعذابی هست ایشان را گران

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ ۚ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

﴿۷۴﴾

پس نباید توبه آرند بر اله؟ و به استغفار بنالند از گناه؟
 ذات رحمان الرحیم هست مهربان بر همه مخلوق و بر مستغفران
 مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ ۖ كَانَا يَأْكُلَانِ
 الطَّعَامَ ۖ أَنْظِرْ كَيْفَ نُبَيِّنَ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ أَنْظِرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ

﴿۷۵﴾

عیسی مریم نباشد جز رسول پیش از او هم آمده جمعی رسول
 مادرش صدیقه می بود در مرام هر دو می خوردند چون انسان طعام
 پس ببین چون بازمی گوئیم کلام هست فصیح و مستدل در حدّ تام
 لیک اعراض می نمایند در اصول بر خدا کذب ها بیندند زین عدول

قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ۚ وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

﴿۷۶﴾

گو پرستید یک کسی جای اله که ندارد او تملک هیچ گاه؟
 نه به سودتان و نه نیز بر زیان هست سمیع و هم علیم ربّ جهان
 قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ
 وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ

﴿۷۷﴾

گو که در دین خود ای اهل کتاب! از گزافه گویی آرید اجتناب
 پیروی هرگز نورزید در سبیل زان جماعت که بوند از این قبیل
 که به ناحق در پی اهواء قوم گه غلو ورزند و گاهی بغض و لوم
 بس به بیراهه کشاندند از ضلال اکثر از مخلوق ز راه اعتدال

لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا
 وَكَانُوا يَعْتَدُونَ

از بنی اسرائیل، جمعی کافران کردشان داوود، لعنت با بیان
همچنین عیسی بن مریم کرد باز لعنتی بر این گروه حیلہ باز
این چنین لعنت ز نافرمانی بود در گنه، هم کفر گذشتند از حدود

كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

دست نشستند هیچ از افعال دون هم ز منکر هم گناهان گونه گون
بس چه ناشایست می بود کارشان زشت و منفور جمله ی اعمالشان
تَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ
عَلَيْهِمْ فِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ

هم بینی اکثر از آن جاهلان دوستند با کافران و مشرکان
بد بود آنچه فرستادند پیش توشه ای که جمع کردند بهر خویش
کان بود خشم خداوند جهان سهمشان گردد عذاب جاودان

وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ

گر که ایمان داشتند آن غافلان بر خدا و بر نبی از دل و جان
و بر آنچه نازل آمد بر نبی کافران را دوست نگرفتند همی
بیشتری زین جمع لیکن فاسقند خارج از ایمان و هم بس مفسدند

﴿٥﴾ لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا ۖ وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا

سخت‌ترین دشمن در حالِ عناد با جمیعِ مؤمنانِ خوش‌نهاد
از یهودان است و هم از مشرکین که عداوت‌ها بورزند روی کین
بامحبت‌تر در مهر و وداد آن کسانند که بگویند از سداد
ما نصاراییم در کیش و مرام زین سبب صادق بوند اندر کلام
چون که برخی پارسایند در خصال راهبند و راستگو در عینِ حال
نیستند این فرقه از مستکبران سرکشی هرگز نمی‌آرند میان

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

چون شنیدند برخی از آیات دین آنچه نازل شد به خیرالمرسلین
اشکشان از دیده می‌گردد روان چون که از حق جمله می‌یابند
بازگویند که نویس ربّ جهان نام ما را در ردیف شاهدان

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ

آن کسان گفتند، چرا روی خطا؟ ما نیاوردیم ایمان بر خدا
همچنین بر آنچه نازل شد سبق که همه بودند آیاتی ز حق
ما امید داریم باز آن ذوالجلال ره دهد ما را به جنت بالمآل
در ردیفِ صالحان اندر بهشت اینچنین گردد، بر ما سرنوشت

فَأَثَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ

پس خداوند در قبالِ این کلام داده پاداشی نکو در حدِّ تام
آن بهشتی که در آن نهرها روان تحت اشجاری که هستند جاودان
تا ابد مانند در خلدِ برین این چنین باشد جزای محسنین

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

وان که کافر گشت بر ربِّ جهان هم بخوانده او دروغ آیاتمان
می شود محروم زِ انعام و نعیم تا ابد گردیده او اهلِ جحیم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

ای گروه مؤمنان! هر چیست حلال هیچ نخوانیدش حرام آن بالمآل
که خدا کرده مجاز از بهرتان بر تعدّی ره میپوید در جهان
دوست ندارد ذات ایزد معتدین که نمایند ظلم و جور اندر زمین

وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ

هم خورید از رزقِ خود در روزگار که خدا کرده حلالش آشکار
هم بترسید از خداوند در جهان که بر او گشتید شما از مؤمنان

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْأَيْمَانَ ۖ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ
عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ ۖ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ
فَصِيَامَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ۚ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ ۚ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ ۚ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ
لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

حق شما را زان قَسَم‌ها در کلام
مورد پرسش نمی‌گیرد چنان
بر عقیده باشد و پیمان بر آن
لازم است کفّاره دادن بر طعام
زان طعامی که دهی بر اهلِ خویش
یا بیوشانی به ده تن تو لباس
گر میسر نیست این سه بهر کس
این بود کفّاره بر سوگندتان
حافظ سوگند خود باشید گران
اینچنین روشن بیان آرد اله

که ندارد هیچ اساس و هست خام
لیک قَسَم گر هست از ایمانِ جان
سخت گیرد بر سؤال ربّ جهان
بهر ده مسکین در حدی تمام
باید اطعام آوری مسکینِ ریش
یا کنی آزاد یک برده ز ناس
روزه گیرد در سه روز، کفّاره بس
گر شکستید بعد از آن پیوندتان
نشدید بر هیچ طریق سوگندتان
تا بیارید شکر حق در پیشگاه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ
فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای گروه مؤمنان! زشت است و عار
بت پرستیدن و شرطبندی آن
هست از اعمالِ شیطان در حساب
تا بگردید در دو عالم رستگار

شربِ خمر و روی کردن بر قمار
که بود همچون قماری در عیان
دوری جوید و نمایند اجتناب
با کناره جستن از این گونه کار

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ
ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ ۖ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ

خواهد آن ابلیس پست و بدنهاد
از ره شربِ شراب و از قمار

بینتان فتنه بسازد هم عناد
دشمنی سازد به وجهی آشکار

بازتان دارد ز حق آن حيله‌باز از بیان ذکر و از اصل نماز
 پس شما از این‌چنین اعمال پست بازگردید و بشوید نیز دست؟
 وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ احْذَرُوا ۚ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ
 الْمُبِينُ

﴿۹۲﴾

از خدا و از رسول فرمان برید آنچه ابلاغ گشته از ربّ فرید
 گر کنید اعراض عیان یا که نهان ترک فرمانش نمایید در جهان
 پس بدانید نیست تکلیف بر رسول جز کند ابلاغ امر اندر اصول
 لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعَمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

﴿۹۳﴾

نیست هیچ باکی برای مؤمنان که کنند اعمال صالح در جهان
 زانچه خورده از غذا و از طعام گر که تقویٰ پیشه دارند در مرام
 کارشان شایسته هست از صالحات لیک خطایی گر کنند از هر جهات
 باز پرهیزکار شوند در راه دین بر نکوکاری بکوشند همچنین
 بار دیگر لغزشی گر اوفتاد باز پرهیزکار شوند اندر نهاد
 چون بدارد دوست خداوند محسنین او ببخشد این جماعت اجمعین
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ
 يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ ۚ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ

﴿۹۴﴾

ای گروه مؤمنان! هست آشکار امتحانی بر شما وقت شکار
 چون بیاید صیدی اندر دسترس که گریزی او ندارد پیش و پس

امتحانی هست آن دم از خدا تا نیفتید از حدود حق جدا
هر که بنماید عدول از اعتدال هست نصیب او عذاب از ذوالجلال

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهُ ۗ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ ۚ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمِ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ

﴿۹۵﴾

پس نگرديد گردِ کشتار شکار وقتی که هستيد مُحَرَّم در ديار
گر به عمد گشتند صيدی را کسان در عوض بايد دهند مانند آن
حکمی آنجا از دو مؤمن لازم است کاین فديّه بهر کعبه ملزم است
يا دهد از آن به مسکينان طعام يا بگيرد روزه، ضارب از صيام
تا ببخشد اين عقوبت کردگار از چنين افعال و اين سان زشت کار
هر کسی بار دگر کرد اين گناه انتقام از او بگيرد پس اِلَه
مقتدر باشد خدا در حدّ تام او ز حکمت قادر است در انتقام

أَحْلَلْ لَكُمْ صَيْدَ الْبَحْرِ وَطَعَامَهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ ۚ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

﴿۹۶﴾

صيدِ دريا بر شما باشد حلال تا خوريد از آن غذای بی‌ملال
کاروانی‌ها از اين‌گونه طعام هست روا که بهره‌مند گردند تمام
صيد در خشکی ولی باشد حرام هر زمان که مُحَرَّميد در آن مقام
متقی گردید به راه ذوالجلال رجعتان سوی او هست بالمآل

﴿۹۷﴾ جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ۚ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

کعبه را کرده خدا بیت‌الحرام
 همچنین حرمت بداد ماه حرام
 هم ز قربانی بی‌نام و نشان
 آگه است ایزد به حتم و بر یقین
 هم به هر شیئی و هر اسمی و نام
 مطلع باشد خدا کامل و تام
 تا نمایند مردمان سویش قیام
 از برای قربت حق، اهتمام
 هم نشاندار تا بدانند مردمان
 بر همه چیز در سماوات و زمین

إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

این بدانید که خدا وقت عِقاب
 لیک از احسان و جودش آن کریم
 سخت گیرد او شدیداً بر عذاب
 هست رحمان و غفور و هم رحیم

مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ

هیچ وظیفه نیست بر عهده‌ی رسول
 آگه است آن ذاتِ پاک کردگار
 جز کند ابلاغ دین و هم اصول
 هر چه دارید در نهان و آشکار

قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ ۚ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

گو که پاکان با خبیثان در جهان
 گر چه کثرت از خبیثان مر تو را
 نیستند در یک ردیف بی هیچ گمان
 پس بترسید از خدا اهل عقول!
 در شگفتی آورد ای رهنما!
 تا شوید از رستگاران در اصول

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنِ تُبْدَ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ
الْقُرْآنُ تُبْدَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ

﴿١٠١﴾

اهل ایمان! هیچ نپرسید آن سؤال که ز پاسخ حالتان یابد ملال
گر بپرسید لیک از هر امر و نهی وقت تنزیلات قرآن، وقت وحی
آنچه باشد بر صلاح اندر جواب آشکارا گردد از آیات ناب
ذات ایزد عفو فرماید سؤال او غفور است و حلیم اندر کمال

قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ

﴿١٠٢﴾

هم بپرسیدند چنین در ماسبق لیک ز پاسخ کفر ورزیدند به حق
مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ^١ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى
اللَّهِ الْكَذِبَ^٢ وَكَثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

﴿١٠٣﴾

هم نرانده ذات ایزد هیچ کلام بر بحیره، بر وصیله یا که حام
همچنین بر سائبه حکمی عیان نیست هرگز از خداوند جهان
از چنان رسمی که داشتند تازیان از شتر، از گوسفند وز زادشان
از چنین وهم بسته بر یزدان دروغ آن گروه کافران بی فروغ
عقلشان اغلب نمی بندند به کار جای آن اوهام اندر روزگار

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا^٣ أَوَلَوْ
كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ

﴿١٠٤﴾

تا که می‌گویندشان، آرید یاد سوی ربّ‌العالمین آید عباد
آنچه نازل گشته از حق بر رسول جمع آیات را نمایید پس قبول
بازمی‌گویند زِ جهل نابخردان که بود کافی ره اجدادمان
پس بود شایسته هر چیزی که کز پدرهای جهول آید به دست؟
هست؟

از نیاکان پیروی باید نمود؟ گر چه کافر بوده‌اند یا که عنود؟

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ ۖ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ ۚ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ
جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

﴿۱۰۵﴾

هست واجب، ای جمیع مؤمنان! حفظِ نفس و همچنین ایمانتان
بر شما ناید ضرر از گم‌رهان تا صراط‌المستقیم هست راهتان
بازگشتِ جمله در فرجامتان سوی الله هست و ربّ دو جهان
باخبر سازد خدا از فعلتان زانچه کردید در حیات و عمرتان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ
مِّنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ
تَحْسِبُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ أَرْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ
وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذَا لَمِنَ الْأَثِمِينَ

﴿۱۰۶﴾

برگزینید دو شهود ای مؤمنان! چون رسد وقت ممات و مرگتان
بر وصیت دو گواه آرید پیش صاحبِ عدل، چه غریبه یا که
خویش

گر که بودید در زمین اندر سفر از مصیبت مرگ گردد مستقر
پس نگه‌دارید زِ ره آن شاهدان تا بخوانید یک وصیت بهرشان
گر نبودید مطمئن از این دو تن که بیان آرند صحیح بعداً سخن

بر قسم آریدشان بعد از نماز تا بخوانند سوی حقّ کارساز
 که وصیت را به هیچ وجه و بها نی فروشندی به چیز بی بها
 خویشمان را گر ضرر هست زان نزد حق کتمان نیاریم هیچ گاه
 گواه

که بگردیم از زیانکاران یقین از گنهکاران شویم و مجرمین

فَإِنْ عَثَرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَأَخْرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ
 الْأُولَيَانِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ

﴿۱۰۷﴾

لیک اگر معلوم شود آن دو گواه می روند بر راه باطل و گناه
 پس دو تن خیزند، شوند از شاهدان جای آن دو که شدند از خائنان
 با قسم گویند ز صدق و راستی هست گواهی مان بدون کاستی
 بر تعدی نیست گواهی هایمان ور نه باشیم ما یقین از ظالمان

ذَٰلِكَ أَذْنٰی أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهِهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَانٌ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ ۖ وَاتَّقُوا
 اللَّهَ ۖ وَاسْمَعُوا ۖ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

﴿۱۰۸﴾

می شود آنکه به حق نزدیک تر که بخوانند آن وصیت از خبر
 زین شهادت که نمودند خود ادا بر چنین وجهی بگردد پس روا
 دیگران کردند قسم را گر که رد بی ادله، بی دلیل و بی خرد
 نیست به شاهد هیچ ترسی یا که که ز صدق خود بگردد بیمناک
 باک

از خدا ترسید، سخن را بشنوید گر سخن باشد ز رحمان مجید
 دوست ندارد ذات ایزد در جهان مردمان بدسرشت و فاسقان

﴿۵﴾ يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّا كُنَّا نَعْلَمُ الْغُيُوبَ

﴿۱۰۹﴾

روزی آید که در آن، ربّ غفور
 پس بفرماید که ای جمع رسول!
 پاسخی گویند چنین پیغمبران
 ما نباشیم آگه از اسرارشان
 آن تویی تنها که بی هیچ گونه ریب
 داری آگاهی ز بطن و علم غیب

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أُيِّدْتُكَ بِرُوحِ
 الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا ۖ وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ ۖ
 وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي ۖ وَتُبْرِئُ الْأَكْمَهَ
 وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِي ۖ وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي ۖ وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُمْ
 بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

﴿۱۱۰﴾

آن زمان که حق بگفتا از و داد
 زان نعم‌ها که به تو و مادرت
 از دم روح‌القدس یافتی تو نام
 یاد دادیم بر تو حکمت هم کتاب
 آن زمان که مرغکی ساختی ز خاک
 بعد ز امر ما بکرد آن مرغ طیر
 آن که مادرزاد همی می‌بود کور
 آن که بر پیسی همی بود مبتلا
 هم به اذن ما برون از قبرها
 ما بکردیم کوتاه، دستانِ یهود
 آمدی تو سویشان با بیّنات
 بازگفتند از جهالت این‌چنین
 عیسی مریم! کنون آور به یاد
 عرضه داشتیم از کرم اندر برت
 نطق بنمودی به مهد در حدّ تام
 هم ز تورات و سپس انجیل ناب
 پس دمیدی اندر آن انفاس پاک
 گشت پرّان و عیان بنمود سیر
 از شفایت دید چشمش رنگ نور
 دادی وی را تو ز امر ما شفا
 زنده کردی مرده از اعجازها
 قوم اسرائیل که بودندی عنود
 کفر ورزیدند ولی از هر جهات
 که نباشد این به جز سحری مُبین

وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

﴿۱۱۱﴾

یاد بیاور ای رسول! حواریون ما بگفتیم سوی ایشان وحی گون
 که بیارید از دل و جان نیز قبول بر من و بر آن که هست از ما رسول
 جمله گفتند امر تو را ای اله! ما پذیرفتیم و می باش خود گواه
 ما همگی جمع این حواریون در ره تسلیم شدیم از مسلمون

إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَاءِ ۖ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

﴿۱۱۲﴾

پس حواریون بگفتندی چنین عیسیا! قادر بود ربّت به این؟
 کآورد نازل به ما از آسمان؟ یک خوراکی که نباشد در جهان
 گفت عیسی^۱ در جواب، ای جاهلان! گر که هستید از گروه مؤمنان
 بس کنید از اینچنین درخواست‌ها پس نمایید پیشه تقوای خدا

قَالُوا تُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَّقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ

﴿۱۱۳﴾

جمله گفتند ما نداریم شک و ریب لیک خواهیم که خوریم از خوان
 غیب زانچه تو وعده بدادی، رهنما! مطمئن تر گردد این دل‌های ما
 که شود صدق کلام تو عیان هم بر آن گردیم همه از شاهدان

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِّنكَ ۖ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

﴿۱۱۴﴾

کرد دعا عیسی بن مریم کای اله! از سما تو سفره‌ای بفرست به راه

که شود آن مائده تأییدمان بهر ما و بعدِ ما چون عیدمان
 بهر مخلوق توئی والاترین ذاتِ تو هست بهترین رازقین
 قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ ۖ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدَ مَنِّكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِّنَ
 الْعَالَمِينَ

﴿۱۱۵﴾

گفت سبحان بر رسولِ رهنما اینچنین خوانی، فرستم بر شما
 لیک بود این مائده سخت امتحان هر کسی کافر بگردد بعد از آن
 هست عذابی بهرشان سخت و گران که ندیده هیچ کسی اندر جهان
 وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِن دُونِ اللَّهِ ۖ
 قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ ۚ إِن كُنْتَ قُلْتَهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ ۚ تَعْلَمُ
 مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ ۚ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ

﴿۱۱۶﴾

حق بفرمود، گفتی عیسی! هیچ گاه؟ که من و مامم هستیم دو اله؟
 ما خدایانیم بعد از آن خدا پس شما آرید عبادت سوی ما
 گفت عیسی! که ز هر نوع اشتراک تو منزّه باشی ای یزدان پاک!
 اینچنین ناحق ز من نبود روا گر که می گفتم، تو می دیدی خدا!
 تو خودت آگاهی از من همچنین از بطون و از درونم بالیقین
 من به نفس تو ندارم آگهی تو به غیب داناترین هستی همی
 مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اْعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ ۚ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ
 فِيهِمْ ۚ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ ۚ وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

﴿۱۱۷﴾

من نگفتم هیچ کلامی از اصول جز هر آنچه ز امر تو آمد نزول

گفتم ایشان را پرستش بر خداست که همو ربّ من و ربّ شماست
 بودم ایشان را گواه در عین حال هم به گفتار و به فعل از ذوالجلال
 اندر آن دم کز میان مردمان روح من بُردی ستاندی نیز جان
 خود تو گشتی ناظرِ اعمالشان شاهی از بهر هر چیز در جهان

إِنْ تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ ۖ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

﴿۱۱۸﴾

گر نمایی این جماعت را عذاب بنده‌ی تو جمله آیند در حساب
 و بیامری ز لطف ای رحیم! تو عزیزی و توانا ای حکیم!

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ ۚ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ۚ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

﴿۱۱۹﴾

حق تعالی^۱ گوید از فضل و زِ جود این همان روزیست که آرد نفع و سود

از برای صادقین راستگوی که برند بهره زِ آن صدق نکوی
 جمله آیند اندر آن باغِ بهشت چون صداقت داشتند اندر سرشت
 نه‌رها جاری بود از هر طرف تحت اشجار و به اطراف عُرف
 اندر آنجا نیز زِ فضل بی‌کران در لقای حق بمانند جاودان
 حق از ایشان راضی و ایشان زِ حق این‌چنین فوز عظیم را مستحق

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

﴿۱۲۰﴾

پادشاهی بر سماء و بر زمین منحصر باشد به ربّ العالمین
 و آنچه باشد بین آنها در میان چه نهان بوده و یا آنکه عیان

او به هر چیزی تواناست بی‌کران قادر مطلق بود اندر جهان